



# ایران ورجاوند

مجله ایران‌شناسی | سال ۳۰ | شماره ۵ | پاییز و زمستان ۱۳۹۹ | ۳۰۰۰۰ تومان

- ◆ نقوش متنوع بر کمربندهای اورارتویی موزه رضا عباسی
- ◆ منصب امیری پیش از آل بویه: دو دیدگاه نسبت به گذشته
- ◆ سفال‌های خیربت کراک در سوریه و فلسطین: در وضعیت پریش
- ◆ استودان قلعه گرگی، نویافته‌ای از تدفین دوره ساسانی در شهرستان اقلید
- ◆ بازبینی و نقد کتاب گل‌نشته‌های آغاز ایلامی موزه لوور اثر یاکوب ال. دال
- ◆ بررسی باستان‌شناسی کاروانسرای خانک در مسیر کوهستانی تفرش به ساوه

# ایران ورجاوند

ایران ورجاوند زنده است



دوفصلنامه ایران شناسی

سال ۳ | شماره ۵ | پاییز و زمستان ۱۳۹۹ | ۱۱۲ صفحه |  
شماره ثبت مجله: ۸۰۶۸۸ | شماره ثبت نشان: ۲۹۶۲۹۸ |  
صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر: دکتر شاهین آریامنش |  
مدیر داخلی: هوشنگ رستمی |

نشان مجله ایران ورجاوند برگرفته از گچبری ساسانی یافت شده از تیسفون عراق مربوط به دوره ساسانی است. داستان این گچبری به سال‌ها پیش بازمی‌گردد هنگامی که اسکار رویتر باستان‌شناس آلمانی همراه گروهش در سال ۱۹۲۹ میلادی در تیسفون در محدوده ساختمان بزرگی با نام معارید در حدود ۳ کیلومتری تاق کسری و ۱/۷۵ کیلومتری شمال دهکده سلمان پاک به کاوش‌های باستان‌شناسی پرداخت که در این کاوش‌ها از محلی که سپس تر خانه معارید ۶ نام گرفت شماری صفحه‌های گچبری گرد به دست آورد که در میان آنها صفحه‌گردی با دو بال گشوده شده از روبه‌رو وجود داشت که این دو بال، نشانی به شکل هلال ماه را دربر گرفته‌اند. این گچبری در موزه برلین آلمان نگهداری می‌شود.

تصویر جلد: قطعه آجری از تزئینات دیوارهای کاخ شوش، هخامنشی موزه متروپولیتن نیویورک

تهران، صندوق پستی: ۱۴۵۱۵-۵۶۹

[www.iranvarjavand.ir](http://www.iranvarjavand.ir)

[Iranvarjavand@hotmail.com](mailto:Iranvarjavand@hotmail.com)

۰۹۳۹۵۹۶۹۴۶۶

چاپخانه: ایران کهن



همه حقوق این اثر برای ایران ورجاوند محفوظ است. تکثیر، انتشار، چاپ و بازنویسی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه همچون رونوشت، انتشار الکترونیکی، ضبط و ذخیره روی سی دی و چیزهایی از این دست بدون موافقت کتبی و قبلی مجله ایران ورجاوند ممنوع است و متخلفان بر پایه قانون «حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» تحت پیگرد قرار خواهند گرفت.

با همکاری گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن |



# ”سیاهه“

## مقاله

- ۴ نقوش متنوع بر کمربندهای اورارتویی موزه رضا عباسی | مریم دارا
- ۲۵ استودان قلعه گرگی، نویافته‌ای از تدفین دوره ساسانی در شهرستان اقلید | حامد مولایی کردشولی
- ۳۶ منصب امیری پیش از آل بویه: دو دیدگاه نسبت به گذشته | دیوید وین، ترجمه حسین صبری
- ۴۷ بررسی باستان‌شناسی کاروانسرای خانک در مسیر کوهستانی تفرش به ساوه | علی نوراللهی
- ۷۴ سفال‌های خیربت کراک در سوریه و فلسطین: در وضعیت پرشش | پیر دومیروشیچی، ترجمه سحر بختیاری، حسین نصری صومعه

## پیشخوان

- ۹۹ بازبینی و نقد کتاب گل‌نبشته‌های آغازیلامی موزه لوور اثر یاکوب ال. دال | حسن افشاری و سعید باقی‌زاده

## درگذشتگان

- ۱۰۹ درگذشتگان ایران‌شناسی | آرشاک ایروانیان



## سفال‌های خیربت کراک در سوریه و فلسطین: در وضعیت پرسش\*

پیر دومیروشیچی

ترجمه سحر بختیاری\*\*، حسین ناصری صومعه\*\*\*

\* دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

\*\* دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

برای اولین بار در سال ۱۹۲۶ توسط آلبرایت شناسایی شد (Albright, 1926). این سفال متعاقباً در مکان‌های متعددی در جنوب ترکیه و سوریه جمع‌آوری شد، به طوری که آشکار شد که در عصر مفرغ قدیم III یک پدیده فرهنگی سوری-فلسطینی را نشان می‌دهد که منشاء نهایی آن را باید در فلات آناتولی جستجو نمود (شکل ۱).

### پیشینه مطالعات

این سفال، به دلیل ویژگی‌های گونه‌شناسی و زیبایی ظاهری بسیار چشمگیر آن، خیلی زود مطالعات زیادی را به سوی خود جلب کرد. اولین کارها با هدف روشن کردن ویژگی‌های پتروگرافی (Kall-

موقعیت جغرافیایی فلسطین در انتهای شاخه غربی هلال حاصلخیزی نشان می‌دهد که روابط آن با آناتولی از طریق شمال سوریه به صورت غیرمستقیم برقرار بوده است. با این حال، ما ظاهراً در این منطقه در عصر مفرغ قدیم III (حوالی سال ۲۷۰۰ پ.م)، یک سفال اصلی، معروف به خیربت کراک<sup>۱</sup> را مشاهده می‌کنیم که منشأ آناتولیایی آن از بیش از پنجاه سال قبل به رسمیت شناخته شده بوده است (Amiran, 1952). این نام از محلی در ساحل جنوبی دریاچه طبریه<sup>۲</sup> (یا جلیل<sup>۳</sup> و به عبری بت‌یراه<sup>۴</sup>) گرفته شده است (Hes- trin, 1993 ; Mazar, 1997). این محوطه

1. Khirbet Kerak
2. Tiberias
3. Galilee
4. Beth Yerah

\* این مقاله برگردانی است از:

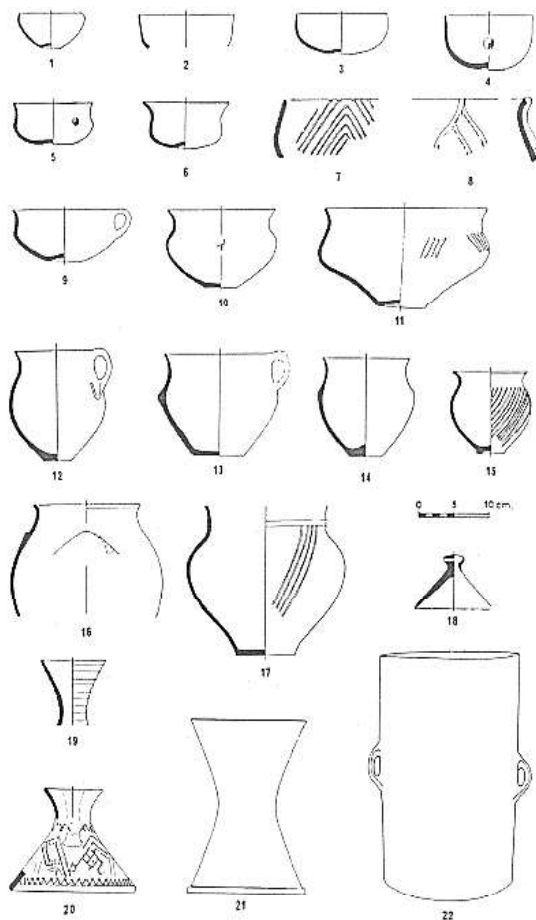
Miroschedji, P.D., 2000. La céramique de Khirbet Kerak en Syro-Palestine: état de la question. Publications de l'Institut Français d'Études Anatoliennes, 11(1), pp.255-278.



شکل ۱. توزیع سفال‌های خیرت کراک و سفال‌های مرتبط با آن در خاور نزدیک در هزاره سوم پم  
 ۱. آلتین تپه ۲. امیرانیس گورا ۳. آرات ۴. ارماویریلور ۵. ارسلان تپه ۶. آشوان ۷. بشتاشنی ۸. کارکمیش ۹. چاتال  
 هویوک ۱۰. تل چورا ۱۱. ارنیس ۱۲. گوی تپه ۱۳. گودین تپه و محوطه‌های همجوار ۱۴. هفتان تپه ۱۵. حما ۱۶.  
 حاسارتپه ۱۷. هورناویل ۱۸. هوروم هان ۱۹. هویوک دئیرمنده ۲۰. آیرمیر ۲۱. ایساکوی ۲۲. تل جودیه ۲۳.  
 کاراکورت ۲۴. کارازهوویوک ۲۵. کیکتی ۲۶. کوروجوتپه ۲۷. کوکارتپه ۲۸. کوربان هویوک ۲۹. کویول تپه ۳۰. لوگو  
 ۳۱. نورشون تپه ۳۲. پولور ۳۳. قلات الراس ۳۴. راس شمرا ۳۵. شنگاویت ۳۶. شرش بلور ۳۷. سبوری کایا ۳۸.  
 تل سوکاس ۳۹. طبره‌الاکراد ۴۰. تلتنایات ۴۱. تپجیک ۴۲. تریالتی ۴۳. یانیق تپه ۴۴. یایچی تپه ۴۵. زولفوبولاک

1989; Hennessy, 1967; Huot, 1982; Kelly-Buccellati, 1979; De Miro-  
 (schedji, 1984; Stager, 1995) در حالی که مطالعات پتروگرافی سعی در شفاف‌سازی  
 شرایط تولید آن را داشتند (Courtois, 1971; Chazan and McGovern, 1984; Esse  
 and Hopke, 1986; Mazar *et al.*, In press). بنابراین خیریت کراک موضوعی است  
 که بارها مورد بحث قرار گرفته است. به تعبیر چارلز  
 برنی (Burney, 1989: 332) می‌توانیم از  
 پدیده خیریت کراک، مسئله خیریت کراک، سؤال  
 خیریت کراک صحبت کنیم. هدف از مقال حاضر  
 ارائه مروری سریع بر این مسئله، البته تنها با در نظر

ner, 1943; Kallner and Vroman, (Sukenik, 1947) و فناوری (1945-46)  
 آن صورت گرفت. در سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۶۰  
 میلادی، تحقیقات بر شناسایی منشأ این سفال در  
 آناتولی (Amiran, 1952; Lamb, 1954; Woolley, 1959: 31-37  
 otrovsky, 1962; Amiran, 1965; Chu-  
 binishvili, 1966) و یا در یک سنت محلی  
 Braidwood and Braidwood, 1960: 184, 189  
 (Todd, 1973: 519) معطوف شد.  
 در طول سی سال گذشته، به تدریج اجماعی در  
 مورد منشأ تخصصی این سفال مطالعه شده است  
 (Burney and Lang, 1971; Burney,)



شکل ۲. گونه‌شناسی سفال‌های خیریت کراک

یک سفال مشخص و کاملاً جدید تعریف شده، که در نیمه سوم هزاره سوم پم با ظاهری یکسان هم در سوریه و هم در فلسطین ظاهر شده است. این سفال اغلب با اشیایی به شکل نعل اسب<sup>۱</sup> همراه است که مطابق با اصطلاح آنگلو ساکسون<sup>۲</sup>، در اینجا آندیرون<sup>۳</sup> (منقل) نامیده می‌شود. علاوه بر این دو عنصر مشخص، گاهی عناصر فرهنگی دیگری را که دارای منشأ آناتولی هستند، به این مجموعه

گرفتن دیدگاه سوری-فلسطینی آن است. در نهایت نیز اضافه کردن یک دیدگاه لوانتی به مباحث این همایش در رابطه با گاهنگاری آناتولی و قفقاز در هزاره سوم است.

### کلیات تعریف

ابتدا باید معیار پدیده فرهنگی را که مورد علاقه ما است را در نظر بگیریم. این امر اساساً توسط

1. Horseshoe
2. Anglo-Saxon
3. Andirons

## سفال

سفال‌های خیربت کراک، که در سوریه-فلسطین تاریخ منشا مشخصی برای آن در دسترس نیست، کاملاً جدید هستند. خصوصیات این سفال در هر دو منطقه یکسان است (Braidwood and Braidwood, 1960: 361, 399; Courtois, 1971). از نظر فن ساخت، در تمام موارد، این سفال دست‌ساز بوده و با قالب شکل گرفته شده است. در بسیاری از موارد، مشاهده می‌شود که دیواره سفال با ضربه زدن اصلاح شده است. خمیره معمولاً به رنگ نارنجی قرمز با شاموت معدنی یا گیاهی است. آنالیزهای لیلیان کورتوا<sup>۱</sup> نشان می‌دهد که علاوه بر چربی‌ها، الیاف گیاهی و موی حیوانات نیز به‌عنوان شاموت استفاده شده است. سطح آن با یک لعاب نارنجی-قرمز پوشانده شده که معمولاً بسیار درخشان است، به طوری که سطح آن از نظر ظاهری براق و به لحاظ لامسه بسیار صاف است. این ویژگی‌ها به‌ویژه برای سطوح سفال‌های سیاه واضح‌تر هستند. تحقیقات ماتسون<sup>۲</sup> (Braidwood and Braidwood, 1960: 361) و کورتوا (۱۹۷۱) نشان داد که رنگ سیاه پس از آغشته‌سازی سطح سفال با ماده چربی یا با ساییدن سطح آن به‌دست می‌آید. پخت سفال در اتمسفر کم، باعث کربنیزه شدن مواد آلی و سیاه شدن سطح آن نیز می‌شود. این آخرین ویژگی است که زیبایی ظاهری خاص این سفال را توضیح می‌دهد.

از نظر ظاهری سفال‌های خیربت کراک غالباً دو رنگ دارند و در قسمت درونی قرمز و

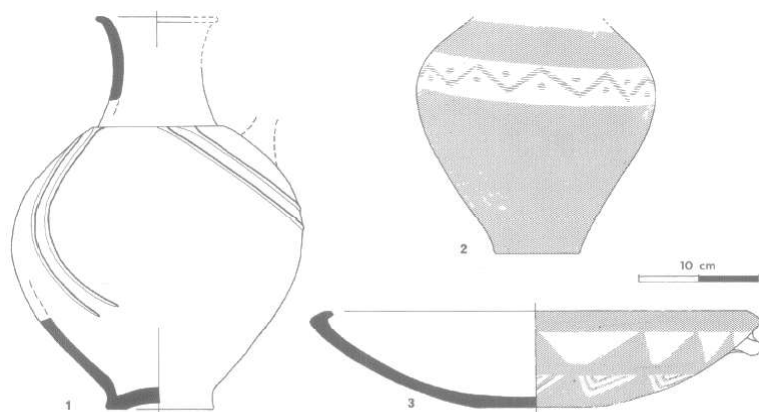
اضافه می‌کنیم. یک مورد استخوان‌هایی با تزیینات هندسی حکاکی شده است، این گروه اشیاء اغلب در بافت‌های عصر مفرغ قدیم III یافت می‌شوند. اخیراً مطالعه‌ای توسط زارسکی پلگ<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۳ م. نشان داده که این اشیاء دارای یک توزیع جغرافیایی شامل مدیترانه شرقی است که بیانگر این هستند که حوزه گسترش آنها بسیار فراتر از سفال‌های خیربت کراک است. بنابراین ارتباط آنها با مورد دوم باید مد نظر قرار گیرد.

همچنین انبار غلات محوطه بت‌بیره را با خانه‌هایی با طرح مدور، که در ماوراء قفقاز و آذربایجان وجود دارد، به همراه سفال‌های مربوط به خیربت کراک مقایسه کردیم (Ami-ran, 1965). با این حال، سازه‌هایی که در داخل انبار غلات بت‌بیره یافت می‌شوند به دلیل اینکه سیلو هستند، مدور هستند. لذا شباهت با معماری دایره‌ای ماوراء قفقاز کمتر مورد قبول است زیرا خانه‌های مرتبط با سفال‌های خیربت کراک در سوریه و فلسطین دارای طرح چهار ضلعی هستند.

در مورد اشیاء نادر دیگری که در رابطه با به هم پیوستگی‌های آناتولی و فلسطین در عصر مفرغ قدیم III یافت شده‌اند می‌توان به جواهرات، تبرهای سنگی و سرنیزه‌های مسی اشاره نمود (Hennessy, 1967: 79-82). هیچ داده‌ای ارتباط این فرهنگ‌ها را از طریق سفال خیربت کراک نشان نمی‌دهد. به طور خلاصه، پدیده فرهنگی که در اینجا مورد علاقه است، فقط توسط سفال و آندیرون‌ها نمایش داده می‌شود.

1. A. Zarzecki-Peleg
2. Liliane Courtois
3. F. Matson





شکل ۳. سفال‌های کنعانی با سطوح براق مانند سفال خیریت کراک

در قسمت بیرونی سیاه هستند. تنوع فرم سفال‌های خیریت کراک کم و به راحتی قابل تشخیص است و عبارت است از:

- کاسه‌های تخم مرغی با پایه مقعر (شکل ۲: ۱).
- دیواره نیم کره‌ای یا عمودی ساده (شکل ۲: ۲-۴) یا کاسه‌های با دیواره منحنی (شکل ۲: ۵-۶).
- فنجان‌ها (شکل ۲: ۹).
- ظروف با یا بدون دسته (شکل ۲: ۸-۷؛ ۱۵-۱۰).
- ظروف یا کوزه‌هایی با دهانه‌های باز (شکل ۲: ۱۶-۱۷).

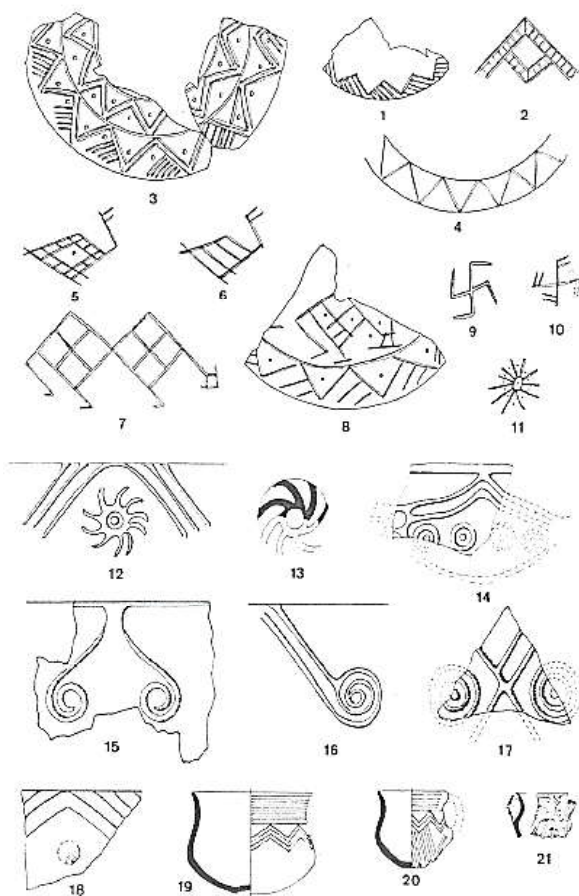
کوزه‌های بدون گردن، که یکی از رایج‌ترین و مشخص‌ترین فرم‌های سفال‌های بومی است (Esse, 1991: pi. 5: G) و همچنین کوزه‌های استوانه‌ای (شکل ۲: ۲۲).

- همچنین سفال‌های مخروطی شکل (شکل ۲: ۲۱-۱۹) و سفال‌هایی با لبه‌های مسطح دارای یک دسته در قسمت فوقانی (شکل ۲: ۱۸) نیز وجود دارد. علاوه بر اشکال رایج سفال خیریت کراک، اشکال سفالی بومی کنعانی<sup>۱</sup>، مانند کوزه‌ها نیز وجود دارد که از روی سفال قرمز براق خیریت کراک تقلید شده‌اند (شکل ۳: ۱).

این سفال‌ها غالباً تزیین می‌شوند. آنها یا تزیینات هندسی کنده‌کاری شده (غالباً با مواد سفید پر شده‌اند) (شکل ۴: ۱۱-۱) یا تزیینات برجسته (شکل ۴: ۱۷-۱۴، ۱۲) و یا حتی تزیینات شیاردار (شکل ۴: ۲۱-۱۸) دارند. تزیینات منقوش (شکل ۴: ۱۳) به ندرت دیده می‌شود.

### آندپرون‌ها

آندپرون‌ها که غالباً همراه سفال‌های خیریت کراک هستند، اشیاء نعل اسب شکل از نوع سفال خشن هستند (شکل ۵: ۱۳-۶) که قطر آنها در بزرگترین حالت به ۲۰ سانتی‌متر می‌رسد (شکل ۵: ۶) لیکن برای کوچکترین ابعاد (ابعاد داخلی) عموماً از ۵ سانتی‌متر تجاوز نمی‌کنند (شکل ۵: ۱۳). آنها دارای سه



شکل ۴. الگوهای تزیینی سفال‌های خیربت کراک

(۱-۱۱: نقوش کنده؛ ۱۲ و ۱۷-۱۴: نقوش برجسته، ۲۱-۱۸: نقوش شیاردار؛ ۱۳: سفال منقوش)

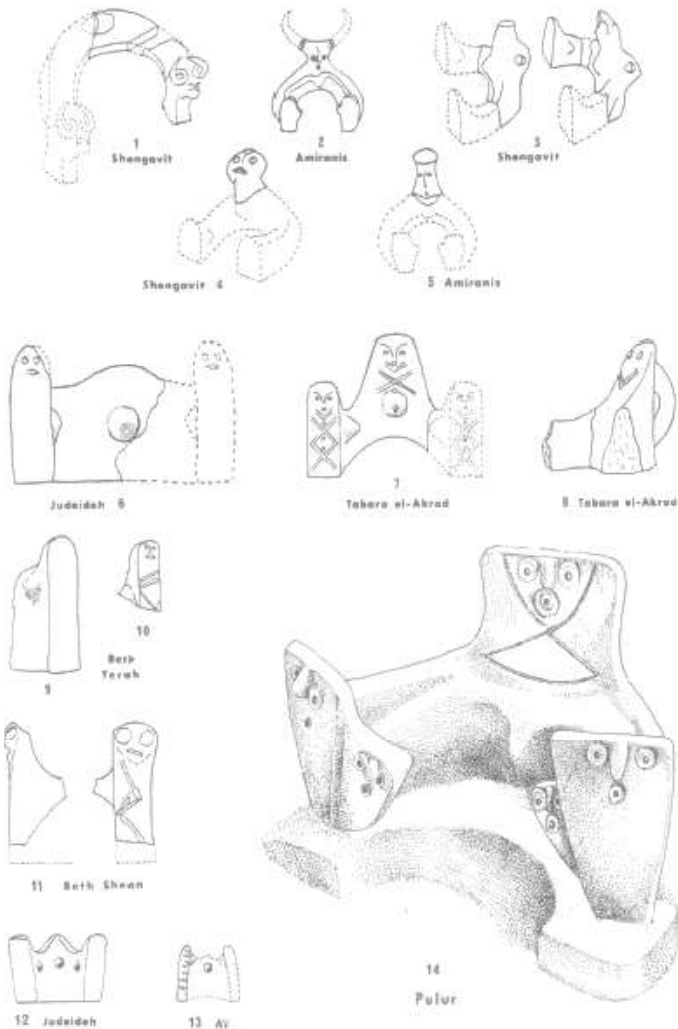
توجه است که الگوهای انسان‌ریختی فقط در آندیرون‌ها ظاهر می‌شوند.

### گسترش و توزیع

این سفال و آندیرون‌های همراه آن در سراسر سوریه و فلسطین با توزیع جغرافیای بسیار ناموزون مشاهده شده‌اند (شکل ۱). این ویژگی به‌ویژه در دشت آموق<sup>۱</sup> (شکل ۶)، در

برجستگی در قسمت داخلی و سه برآمدگی در لبه فوقانی هستند.

این اشیاء معمولاً دارای تزیینات کنده‌کاری هستند و فقط در برآمدگی‌ها ظاهر می‌شوند که یا در سه برآمدگی به‌طور هم‌زمان دیده می‌شود، یا فقط در دو برآمدگی جانبی این تزیین حضور دارد. این تزیینات کنده‌کاری شده اغلب دارای الهاماتی به شکل انسانی بوده و شایان



شکل ۵. اجاق‌های قابل حمل و مراکز آناتولی، ماوراءقفقاز، سوریه-فلسطین (۵-۱: بدون مقیاس؛ ۱۳-۶: ۱/۵<sup>هـ</sup>؛ ۱۴: ۱/۱۰<sup>هـ</sup>)

تل‌المجدیده<sup>۱</sup> و تل‌الذهب<sup>۲</sup>، در تل‌تعیینات<sup>۳</sup> (Braidwood and Braidwood, 1960: 518-519) دیده می‌شود. این امر همچنین در محوطه‌های ساحلی سوریه

1. Tell ed- Judeideh
2. Tell Dhahab
3. Tell Ta'yinat

مانند رأس شمرا<sup>۱</sup> (Contenson, 1989)، سوکاس<sup>۲</sup> (Schaeffer et al., 1962: 609) و قلعه الروس<sup>۳</sup> (Ehrich, 1939: 73) نیز به خوبی دیده شده است. در دره نهرالعاصی<sup>۴</sup> تا حما<sup>۵</sup>، که در آن تعداد کمی از نمونه‌ها کشف شده، نیز شده است (: Ingholt, 1940 pi. 5: 4, 6; Fugman, 1958: figs 37, 46, 49, 54). از سوی دیگر، این داده‌ها در محوطه‌های داخلی نظیر تل آفس<sup>۶</sup> (S. Maz-zoni, communication at this Symposium) یا در ابلا (مردیخ)<sup>۷</sup> (1997) نادر هستند. در حال حاضر لبنان در مطالعات حضور ندارد و سواحل جبیل<sup>۸</sup> و وادی البقاع<sup>۹</sup> نیز گزارش نشده است.

این سفال در فلسطین، فقط در شمال، در حوالی دریاچه طبریه در دشت مرج ابن عامر<sup>۱۰</sup> و در شمال دره اردن به وفور دیده می‌شود و در حاشیه این مناطق کمتر دیده شده است. این داده‌ها در جنوب محدوده کرمل<sup>۱۱</sup> تا دره میانی اردن بسیار نادر یا حتی کاملاً استثنایی می‌شود (شکل ۷). به‌طور خلاصه، سفال‌های خیربت کراک مسیری را که از شمال تا جنوب در امتداد

ساحل و کویر سوریه می‌گذرد، مشخص می‌کنند. حالت دوم مسیری است که به‌طور سنتی توسط کوچ‌روهای نیمه عشایری استفاده می‌شود. در طول این مسیر، حاملان این سفال در گروه‌های بزرگی در بعضی از مناطق دشت انطاکیه<sup>۱۲</sup> و شمال فلسطین مستقر شدند و تنها گروه‌های کوچکی وارد مناطق همسایه شدند

### گاهنگاری

از نظر گاهنگاری، داده‌های سوریه و فلسطین قابل مقایسه هستند و نشان می‌دهند که سفال‌های خیربت کراک مرتبط با عصر مفرغ قدیم III سوریه-فلسطین (مشابه با فاز متاخر عصر مفرغ قدیم II آناتولی) می‌باشند.

### فلسطین

در فلسطین از سال ۱۹۳۷ میلادی پذیرفته شده که سفال‌های خیربت کراک منحصراً متعلق به عصر مفرغ قدیم III هستند (Wright, 1937). اما امروز می‌دانیم که تاریخ ظهور آن مطابق با الگوهای منطقه‌ای، متفاوت است. در فلسطین شمالی، از ابتدای دوره (عصر

1. Ras Shamra
2. Sukas
3. Qala'at er-Russ
4. Orontes
5. Hama
6. Tel Afis
7. Ebla/Mardikh
8. Byblos
9. Beqa'a
10. Esdrelon
11. Carmel
12. Antioch

مفرغ قدیم (IIIA) ظاهر می‌شود، درحالی‌که در جنوب آن هنوز تاریخ ماقبل عصر مفرغ قدیم IIB اثبات نشده است. این تغییر زمانی نشان می‌دهد که به‌احتمال توسعه در دو مرحله انجام می‌شود: یک مرحله استقرار در شمال کشور (عصر مفرغ قدیم IIIA) و یک مرحله گسترش این فرهنگ به سمت جنوب (عصر مفرغ قدیم IIB). تحقیقات اخیر همچنین این امکان را فراهم می‌کند که بپنداریم این سفال قبل از پایان عصر مفرغ قدیم III ناپدید می‌شود. در فلسطین جنوبی (به‌عنوان مثال در یارموت<sup>۱</sup>)، به نظر نمی‌رسد که عصر مفرغ قدیم IIIC مشاهده شده باشد. همچنین در شمال فلسطین (به‌عنوان مثال در بت‌شان) مرحله آخر عصر مفرغ قدیم III، که از طریق مشخصات گونه‌شناسی قابل مقایسه با عصر مفرغ قدیم IIIC در جنوب فلسطین است، به نظر می‌رسد که دیگر قابل شناسایی نیست (De Miroschedji, 2000: 258).

### ختای<sup>۲</sup> و سوریه

در دشت آموق، قدمت این سفال براساس نتایج کاوش‌های مؤسسه شرق‌شناسی<sup>۳</sup> در محوطه‌های اصلی عصر مفرغ قدیم تخمین زده شده است. طبق گفته‌های بریدوود و بریدوود<sup>۴</sup> در سال ۱۹۶۰ میلادی، در انتهای مرحله G در آنجا ظاهر شده و در مراحل H و I نیز ادامه می‌یابد. این توالی در رأس شمرا توسط دوکونتسنسون<sup>۵</sup> در سال ۱۹۸۰ میلادی نیز مشاهده شد. با این حال، این توالی

دارای ایراداتی است، زیرا نشان می‌دهد سفال خیربت کراک در این منطقه با مواد باستان‌شناسی همراه است که در فلسطین، عصر مفرغ قدیم I (= آموق G)، عصر مفرغ قدیم II-III (= آموق H) و بخش بزرگی از عصر مفرغ قدیم IV (= آموق I) را پوشش می‌دهد. در حقیقت، تحقیقات بعدی تادمور<sup>۶</sup> در مورد کاوش‌های بریدوود نشان داد که سفال‌های خیربت کراک فقط در آموق فاز H وجود دارد. بنابراین می‌توانیم اعتراف کنیم که گاهنگاری این سفال در اصل در سوریه و فلسطین یکسان است. تقریباً به‌طور هم‌زمان در حدود ۲۷۰۰-۲۶۰۰ پم در آنجا ظاهر می‌شد و تا دو یا سه قرن در آنجا باقی می‌ماند (پنج مرحله معماری در بت‌شان وجود دارد) و احتمالاً قبل از پایان عصر مفرغ قدیم III فلسطین، تقریباً در حدود سال ۲۴۵۰ پم، به سرعت ناپدید می‌شود.

### شرایط ظاهری

برخلاف تصور عامه (Hood, 1951 : 116-118 ; Callaway, 1978 ; Amiran, 1986 For Example)، ظهور سفال خیربت کراک با اضمحلال در سوریه یا فلسطین همراه نبود، حداقل این سفال در لایه‌های باستان‌شناسی مربوط به تخریب یا بلافاصله پس از آن دیده نشده است. این سفال هم در محوطه‌های با دیوار دفاعی و هم در روستاهای بدون حصار، از محوطه‌ای به محوطه دیگر و با فراوانی متفاوت یافت شده است.

1. Yarmouth
2. Hatay
3. Oriental Institute
- 4.. Braidwood And Braidwood
- 5 H. De Contenson
- 6 Tadmor

## اهمیت حضور

سفال خیریت کراک در محوطه‌های فاز H آموق، ۵۲ تا ۵۵ درصد از کل سفال‌ها را تشکیل می‌دهد (Braidwood and Braidwood, 1960 : 332 ; Esse and Hopke, 1986 : 358). این داده‌ها نمی‌توانند از اهمیت این سفال در محوطه‌های سوریه کم کنند.

در فلسطین، به‌ویژه به سوی شمال، ۲۰ تا ۳۰ درصد کل سفال‌های موجود در محوطه بت‌یراه (Esse and Hopke, 1986 : 332) و ۵۸٪ سفال‌های بت‌شان را تشکیل می‌دهد. در این محوطه (بت‌شان)، مازار<sup>۱</sup> و همکارانش این سفال را به‌طور متناوب در پنج سطح متوالی، R11 تا R7 (از قدیم‌ترین تا جدیدترین) ثبت کردند به طوری که حدود ۶۱٪ از کل سفال‌ها در R11 و R10 به دست آمده است. این نسبت در R9 به ۶۴٪ افزایش می‌یابد و در R8 به ۳۸٪ کاهش می‌یابد و در R7 تقریباً صفر (فقط یک قطعه سفال از آنجا به دست آمده) می‌شود (Mazar et al., In press). به‌طور خلاصه، در بت‌شان این سفال به‌طور ناگهانی و به‌صورت انبوه ظاهر می‌شود و در یک مقطع زمانی در سه سطح معماری در مقادیر زیادی استفاده می‌شود، سپس قبل از ناپدید شدن به سرعت به نصف همان مقدار کاهش می‌یابد. در مقابل، در فلسطین مرکزی و جنوبی، سفال‌های خیریت کرک نادر هستند. به‌عنوان مثال، در تل یارموت، تقریباً در بین ۱۰،۰۰۰ سفال فقط یک قطعه وجود دارد.

جالب است که با در نظر گرفتن این نشانه‌ها، نه تنها تعداد این سفال‌ها، بلکه انواع آن را نیز مورد بررسی قرار دادیم. در غیاب داده‌های دقیق از سوریه، این مقایسه فقط می‌تواند برای فلسطین انجام شود (جدول ۱) (Esse, 1991: 139) و مشاهده می‌شود که تنوع فرم‌های سفال با توجه به منطقه کم و زیاد شده است (شکل ۷). برخی از محوطه‌ها، که یک مجموعه کامل (از جمله درپوش‌ها و اجاق‌های قابل حمل) را نشان می‌دهند، به‌عنوان یک منطقه هسته‌ای تعریف می‌شود که محدوده آن تقریباً از العفوله<sup>۲</sup> و قیشون<sup>۳</sup> در غرب، حاضور<sup>۴</sup> در شمال، دره بت‌شان و تل ایشونا (الشونه)<sup>۵</sup> در جنوب دره اردن در شرق است. اما هنوز هم در خارج از این منطقه هسته‌ای در شمال فلسطین (منطقه حاشیه یا پیرامون هسته)، تنوع انواع سفال‌ها کم است و عمدتاً از کاسه‌ها و خمره‌ها تشکیل شده‌اند. سرانجام، در جنوب فلسطین، یعنی در مناطقی که سفال‌های خیریت کراک نسبتاً نادر هستند، این تنوع کمتر می‌شود و فقط کاسه‌ها دیده شده که به راحتی قابل حمل و نقل هستند. به‌طور خلاصه، این مشاهدات حاکی از روش‌های مختلف استقرار بر اساس مناطق فلسطین است: استقرارهای قابل توجه در منطقه هسته‌ای، حضور کمتر در حاشیه این منطقه و تجارت ساده با مناطق جنوب دشت مرج ابن عامر.

## شرایط تولید

درواقع، هم برای سوریه و هم برای فلسطین،

- 1 A. Mazar
2. Afula
3. Qishyon
4. Hazor
5. Tell Esh-Shuna

همه تحلیل‌ها نشان می‌دهند که سفال‌های خیربت کراک به صورت محلی ساخته شده‌اند. برای محوطه‌هایی که کامل‌ترین گونه‌شناسی سفال را دارا هستند - یعنی آنهایی که در مناطق هسته‌ای در سوریه و فلسطین هستند - تحلیل‌ها نشانگر وجود کارگاه‌های محلی تخصصی در جهت ساخت سفال‌های خیربت کراک است. بنابراین، در آموق، اسه<sup>۱</sup> و هوپکه<sup>۲</sup> (Esse and Hopke, 1986: 330)، کارگاهی را در تل الجدیده/الذهب و همچنین در تل تعینات به رسمیت شناختند. در فلسطین، یک کارگاه در حاضور و دیگری بت‌پراه شناسایی شده است و حداقل دو مورد دیگر در بت‌شان یافت شده که به ترتیب با دو گروه از خمیره‌های محلی مطابقت دارند، یکی فقط برای ظروف بزرگ اجرا شده و دیگری برای سایر فرم‌های سفالینه‌ها به کار رفته است (Mazar et al., In press).

باین حال، این فرضیه توسط آنچه که به عنوان روش‌های تولید می‌شناسیم، پشتیبانی می‌شود. برای مناطق حاشیه‌ای منطقه هسته‌ای، هیچ کارگاهی یافت نشده است. باین حال به نظر می‌رسد که تولیدات سفالی همگی به صورت بومی ساخته می‌شوند و شاید توسط سفالگرهای دوره‌گرد که از ناحیه هسته‌ای آمده بودند، نشات گرفته باشند. این فرضیه همچنین درباره محوطه‌های حاشیه جنوبی نیز صدق می‌کند، جایی که چیزی جز تقلید محلی نیست، مانند محوطه‌های آی<sup>۳</sup> (Courtois, 1971 and

personal communication)، جریکو<sup>۴</sup> و تل یارموت (-personal communication Y. Goren, 1986). در واقع، هم برای سوریه و هم برای فلسطین، همه تجزیه و تحلیل‌ها نشان داده‌اند که به‌عنوان یک قاعده کلی، سفال‌های خیربت کراک به صورت محلی ساخته شده‌اند.

### سفال ترکیبی

همچنین باید به وجود سفال‌های ترکیبی<sup>۵</sup> در فلسطین اشاره کنیم. این سفال‌ها فقط در منطقه هسته‌ای در شمال کشور یافت می‌شوند، جایی که بیشترین استفاده از سفال‌های خیربت کراک دیده می‌شود. سفال‌های ترکیبی در معنای دقیق سفال‌های کنعانی<sup>۶</sup> هستند که با فناوری سفال نوع خیربت کراک ساخته شده‌اند. به‌عنوان مثال، کوزه‌ای که در بت‌شان کشف شده از این گونه است (شکل ۳: ۱). ظاهر زیبای سفال کنعانی به دلیل جلای بسیار دقیق و سطح صاف، صیقلی و براق آن، سفال خیربت کراک را به یاد می‌آورد (شکل ۳: ۲-۳) (Fitzgerald, 1935: pi. VII: 9-18). این سفال‌ها در جنوب فلسطین در عصر مفرغ قدیم IIIB مشاهده شده (Miro-schedji et al., 1989: udder 41: 6, 44: 1-3) و ممکن است که از روی سطوح قرمز براق سفال‌های خیربت کراک تقلید شده باشند.

### چگونگی ناپدید شدن

سفال خیربت کراک همانطور که به‌طور ناگهانی

1. D. Esse
2. P. K. Hopke
3. Ay
4. Jericho
5. Hybrides
6. Canaanite

ظاهر شد، به سرعت در طی قرن بیست و یکم پم ناپدید شد. باید تأکید نمود که هیچ سفال فلسطینی از اواخر عصر مفرغ قدیم III یا از دوره‌های بعدی، حتی به صورت غیرمستقیم نیز از فرم‌ها یا تزیینات سفال‌های خیربت کراک الهام نگرفته است.

### مسئله خاستگاه

ویژگی‌های سفال‌های خیربت کراک با ویژگی‌های سفال‌های محلی سوریه و فلسطین بسیار متفاوت هست و بلافاصله مشخص می‌شود که این سفال دارای منشأ خارجی است.

### نظریه‌ها

در اوایل سال ۱۹۵۱ میلادی هود<sup>۱</sup> پیشنهاد کرد که باید منشأ سفال خیربت کراک را در شرق آناتولی و ماورا قفقاز جستجو کرد. در این خصوص اکثر محققان نظیر وولی<sup>۲</sup> (۱۹۵۹)، امیران<sup>۳</sup> (۱۹۵۲)، لمب<sup>۴</sup> (۱۹۵۴)، ملارت<sup>۵</sup> (۱۹۶۶)، هنسی<sup>۶</sup> (۱۹۶۷) و... وی را همراهی نمودند. تنها نظرات مخالف نظر برویدوود (۱۹۶۰) و تاد<sup>۷</sup> (۱۹۷۳) بود. آنها معتقد بودند که ظهور سفال‌های خیربت کراک در سوریه-فلسطین مرتبط با روابط فرهنگی و تجاری این مناطق است. از نظر بریدوود این سفال، تجدید

حیات یک سنت محلی، آناتولی و لوانت است که قبلاً توسط سفال سیاه صیقلی تجسم یافته بود (Braidwood and Braidwood, 1960: 519).

این استدلال از سنت لوانت در خصوص سفال سیاه صیقلی می‌تواند در فلسطین اعمال شود، جایی که می‌توان ظهور سفال سیاه صیقلی را در هزاره پنجم پم را مشاهده کرد (مراحل وادی رباح<sup>۸</sup> و شیخ علی<sup>۹</sup>) (Garfinkel, 1992)، احیاء یک سنت مشابه در ربع سوم هزاره چهارم پم با سفال‌های خاکستری براق، سپس مجدد در هزاره سوم پم با سفال‌های خیربت کراک دیده می‌شود. اما در عمل، حداقل به سه دلیل پذیرفتن این نظریه‌ها دشوار است:

- آنها داده‌هایی را که قبلاً در معرض دید آنها قرار نگرفته است را محاسبه نمی‌کنند. به‌ویژه این واقعیت که توزیع سفال‌های خیربت کراک در فلسطین نسبت به سفال‌های سیاه صیقلی بومی‌تر شده است.

- سوریه و فلسطین به‌طور همزمان سفال‌های خیربت کراک را در حدود ۲۶۵۰ پم ثبت کرده‌اند. اگر فرضیه بریدوود را تأیید کنیم، این سفال‌ها پس از وقفه‌ای ۱۵۰۰ ساله مجدداً در آموق ظاهر می‌شوند، اما در فلسطین این وقفه تنها ۵۰۰ سال است.

1. S. Hood
2. Woolley
3. Amiran
4. Lamb
5. Mellaart
6. Hennessy
7. I. Todd
8. Wadi Rabah
9. Sheikh Ali





شکل ۶. پراکندگی سفال‌های خیربت کراک در آموق

### قرابت‌های آناتولی و ماوراقفقاز

#### سفال

فن‌های ساخت سفال‌های خیربت کراک برای سنت سوری- فلسطینی بیگانه است، به‌ویژه فن آغشته‌سازی سفال به چربی. لیکن به نظر می‌رسد این فن در آناتولی و ماوراقفقاز وجود داشته است. در همان مناطق، سفال‌های تک رنگ و براق سیاه و قرمز بسیار زیادی مشاهده شده است. از نظر فرم سفال، شباهت سفال‌های آناتولی و ماوراءقفقاز بسیار زیاد است (Hennessy, 1967: 76-78; Miroschedji, 1976: 241-244; Huot, 1982: 1048;

• بالأخره و مهم‌تر از همه، نمی‌توان منشأ سفال‌های خیربت کراک را به سادگی بر اساس شکل مشخص نمود. این ویژگی‌ها با سه عنصر (فن، فرم و تزئینات) مشخص شده‌اند که هیچ‌گونه پیشینه محلی در سوریه و فلسطین ندارند.

باوجود این دو نظر متناقض، امروزه درباره قرابت‌های سفال‌های خیربت کراک با آناتولی و ماوراقفقاز اجماع وجود دارد. این اجماع مبتنی بر تحلیل ویژگی‌های اصلی این سفال و اجاق‌های قابل حملی است که اغلب با آن‌ها همراه هستند.

26: Miroschedji, 1984). با این حال باید چندین مورد مختلف از هم تفکیک کرد:

- در مورد فرم‌های خاص، ما شباهت‌های دقیق در آناتولی شرقی، ماوراقفقاز و آذربایجان را می‌شناسیم. این شباهت‌ها عبارت‌اند از: کاسه‌های ساده (شکل ۲: ۶-۵)، فنجان‌ها (شکل ۲: ۹) و ظروف با دهانه کوچک و بدنه منحنی (شکل ۲: ۱۱-۱۰).

- برای فرم‌های دیگر، شباهت‌ها در منطقه ملطیه -الازیغ به خوبی دیده می‌شود اما این شباهت‌ها به سختی در قسمت شرقی مشاهده می‌شوند. این شباهت‌ها عبارتند از: از کاسه‌های تخم مرغی با کف مقعر (شکل ۲: ۱)، درپوش‌های مخروطی (شکل ۲: ۱۸)، فرم‌های ساعت شنی با سطح صاف یا با تزیینات کنده (شکل ۲: ۲۱-۱۹).

- سرانجام، اشکال مختلفی از سفال بدون داشتن نمونه مشابه در آناتولی نیز حضور دارد. این موارد شامل کاسه‌های نیم کره‌ای (شکل ۲: ۴-۳)، ظروف با لبه به داخل برگشته (شکل ۲: ۸-۷)، ظروف کروی (شکل ۲: ۱۶) و کوزه‌های استوانه‌ای شکل (شکل ۲: ۲۲) است. این مشاهدات نتیجه مطالعات کنونی است. اما اگر با تحقیقات آینده تأیید شود، بر منحصر به فرد بودن بعضی از سفال‌های خیریت کراک در مقایسه با نمونه‌هایی که از آن تقلید شده‌اند، اشاره دارد که این امر حاکی از تأثیر سنت‌های گذشته است.

تجزیه و تحلیل ظاهر سفال‌ها نیز حاکی از عدم شباهت‌های منطقه‌ای (Hennessy, 1967: 76-78; Miroschedji, 1976: 244-

26: Miroschedji, 1984; 246) و وجود شباهت‌های بسیار زیاد با آناتولی و ماورای قفقاز است. بنابراین، تزیینات کنده و تزیینات برجسته در بخش‌های آناتولی شرقی و ماوراقفقاز متداول است، جایی که به نقوش برجسته مانند پرندگان (شکل ۴: ۸-۵)، مثلث‌های تو در تو (شکل ۴: ۲) و الگوهای برجسته مانند دایره‌های نقطه‌دار (شکل ۴: ۱۷، ۱۴) و مارپیچ‌ها (شکل ۴: ۱۶-۱۵) اغلب توجه می‌شود. از سوی دیگر، تزیینات شیاردار (شکل ۴: ۲۱-۱۸) در آناتولی مرکزی (به ویژه در آج‌هاویوک<sup>۱</sup>) و در منطقه ملطیه-الازیغ<sup>۲</sup> بهتر شناخته شده‌اند.

#### آندیرون‌ها

سرانجام بهترین نمونه در حمایت از اشتقاق فرهنگ خیریت کراک از آناتولی، حضور آندیرون‌ها (منقل) است که به طور مرتب با سفال‌های خیریت کراک یا سفال‌های مرتبط با آن از قفقاز تا سوریه-فلسطین همراه هستند (Lamb, 1954; Diamant and Rut-ter, 1969; Hennessy, 1967: 76-78; Miroschedji, 1976: 246-249; Huot, 1982: 564-565; Miroschedji, 1984: 26-27).

دو نوع اصلی وجود دارد: یکی سوریه-فلسطینی و آناتولیایی، و دیگری ماوراءقفقاز. نوع سوریه-فلسطینی و آناتولیایی نوع کلاسیک هستند که در بالا توضیح داده شد (شکل ۵: ۱۳-۱۶). نوع ماوراقفقاز قدیمی‌تر است زیرا از هزاره چهارم پم به دست آمده است. آندیرون‌های این گروه (شکل ۵: ۵-۱) از طریق یک برآمدگی مرکزی مشخص می‌شوند که بطور واضح

1. Alaca Höyük
2. Malatya-Elazığ



شکل ۷. پراکندگی سفال‌های خیریت کراک در فلسطین

در مورد عملکرد و معنای آندیرون‌ها سوالات زیادی پرسیده شده است. آنها گاهی اوقات به‌عنوان تکیه‌گاه سفال‌های ساده در نظر گرفته می‌شوند و گاهی اوقات به‌عنوان اجاق‌های قابل حمل (Hennessy, 1967: 78; Diamant and Rutter, 1969: 176; Huot, 1982: 65-564). با وجود این غیرممکن است که تمام این اشیاء برای اهداف خانگی در نظر گرفته شده باشند، به این دلیل که شکل آنها به‌خوبی این

انسان‌ریخت<sup>۱</sup> یا حیوان‌ریخت<sup>۲</sup> هستند و در این حالت سر حیوان ممکن است شاخ داشته باشد (Chubinishvili, 1966). بعضی اوقات اینها به‌طور واضح اشیاء غیرکاربردی بوده و صرفاً نمادین هستند (شکل ۵: ۲). از نظر تاریخی و گونه‌شناسی، آندیرون‌های ماوراء قفقاز آشکارا نمونه‌های اولیه آندیرون‌های آناتولی و سوریه-فلسطین هستند که با سفال‌های خارق‌العاده خیریت کراک مرتبط هستند.

1. Anthropomorphic
2. Theriomorphic

## SITE

1 2 3 4 5 6 7 8

SITE	1	2	3	4	5	6	7	8
Rosh ha-Niqra <sup>1</sup>								
Tel Beth ha-'Emeq <sup>2</sup>								
Tel Dan <sup>3</sup>		*						
Qadesh <sup>4</sup>				*			*	
Hazor <sup>5</sup>		*	*	*	*	*	*	*
Tel Raqqat <sup>6</sup>								
Lzviyeh <sup>7</sup>		*		*				
Tel Regev <sup>8</sup>		*						
Beth Yerah <sup>9</sup>		*	*	*	*	*	*	*
Tel Qishyon <sup>10</sup>		*	*	*	*	*	*	*
Kh. Safsafa <sup>11</sup>		*	*	*	*	*	*	*
'Afula <sup>12</sup>		*	*	*	*	*	*	*
Yaqush <sup>13</sup>		*	*	*	*	*	*	*
Tell esh-Shuna <sup>14</sup>		*	*	*	*	*	*	*
Megiddo <sup>15</sup>		*	*	*	*	*	*	*
Tel Ta'annak <sup>16</sup>		*	*	*	*	*	*	*
'Ain Yezreel <sup>17</sup>		*	*	*	*	*	*	*
Yosef ha-Yeshanah <sup>18</sup>		*	*	*	*	*	*	*
Beth Shean <sup>19</sup>		*	*	*	*	*	*	*
Tel Estaba <sup>20</sup>		*	*	*	*	*	*	*
Tell el-Fakhat <sup>21</sup>		*	*	*	*	*	*	*
Arqub edh-Dhahr (tombe) <sup>22</sup>		*	*	*	*	*	*	*
Kh. ez-Zeraqon <sup>23</sup>		*	*	*	*	*	*	*
Kh. el-Mahruq <sup>24</sup>		*	*	*	*	*	*	*
Bethel <sup>25</sup>		*	*	*	*	*	*	*
'Ay <sup>26</sup>		*	*	*	*	*	*	*
Jericho <sup>27</sup>		*	*	*	*	*	*	*
Beth Sahur (tombe) <sup>28</sup>		*	*	*	*	*	*	*
Nizzanim <sup>29</sup>		*	*	*	*	*	*	*
Tel Yarmouth <sup>30</sup>		*	*	*	*	*	*	*
Tel Erani <sup>31</sup>		*	*	*	*	*	*	*
Tel Lachish <sup>32</sup>		*	*	*	*	*	*	*
Tel Hesi <sup>33</sup>		*	*	*	*	*	*	*
Tel Nagila <sup>34</sup>		*	*	*	*	*	*	*
Tel Halif <sup>35</sup>		*	*	*	*	*	*	*
Bâb edh-Dhra' <sup>36</sup>		*	*	*	*	*	*	*

جدول ۱. توزیع گونه‌شناسی سفال‌های خیریت کراک در فلسطین.

ماهیت مجموعه

۱. قطعات نامشخص. ۲. کاسه‌های کوچک (ر.ک. شکل ۲: ۳-۴). ۳. کاسه‌هایی با دیوارهای منحنی (ر.ک. شکل ۲: ۵-۶). ۴. دهانه‌ها (ر.ک. شکل ۲: ۷-۸، ۱۰-۱۱). ۵. تزیینات کنده (ر.ک. شکل ۴: ۱-۱۱). ۶. تکیه‌گاه‌های مخروطی (ر.ک. شکل ۲: ۱۹-۲۱). ۷. سرپوش‌ها (ر.ک. شکل ۱۸: ۲). ۸. آندیرون (ر.ک. شکل ۵: ۶-۱۳).  
توجه: محوطه‌هایی که نام آنها ایتالیک (**Italic**) شده، کاوش شده‌اند. سایرین فقط بررسی سطحی شده‌اند.

امکان را به آنها نمی‌دهد (شکل ۵: ۲)، یا چون بسیار کوچک هستند (شکل ۵: ۱۳) و یا به این دلیل که هیچ نشانه‌ای از پخت مکرر در آنها دیده نمی‌شود. اما رابطه آندیرون‌ها و اجاق‌ها غیرقابل انکار است زیرا در آناتولی شرقی و ماوراءقفقاز، اجاق‌ها به شکل آندیرون‌ها است. آنها گاهی اشکال انسان‌ریخت را بر محور مرکزی و یا روی سه برآمدگی نشان می‌دهند که به‌طور هم‌زمان حکاکی شده و یا قالب‌زده شده‌اند (Piotro-vsky, 1962 ; Chubinishvili, 1966 ; Burney and Lang, 1971 ; Ko ay, 1976). نمونه به‌دست‌آمده از محوطه پولور-ساک‌یول<sup>۱</sup> یکی از موارد بسیار تماشایی است (شکل ۵: ۱۴). تزئینات آن به‌وضوح نشان می‌دهد که این اجاق‌ها دارای معنی نمادین بودند. آندیرون‌های سوری-فلسطینی از نمونه‌های خانگی مشتق شده‌اند که در آنها نمونه‌های مینیاتوری نیز ساخته می‌شود. علاوه بر این، باید به خاطر داشت که آندیرون‌ها در آن زمان در فلسطین تنها اشیایی بودند که دارای تزئینات کنده انسان‌ریخت بودند. به‌طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که جمعیتی که از سفال‌های خیربت کراک استفاده می‌کردند، اعتقاداتی داشتند که در اجاق‌های مینیاتوری ساخته شده - به تقلید از اجاق‌های بزرگ با تزئینات انسان‌ریخت از آناتولی شرقی - تجسم می‌یافت.

### تفسیر: اصول مهاجرت و شکل‌گیری

برای نتیجه‌گیری این پژوهش، اکنون نیاز به ارزیابی پدیده فرهنگی است که توسط سفال‌های خیربت کراک به‌عنوان یک کل مطالعه شده است.

می‌توان مشاهدات اصلی خود را به شرح زیر خلاصه کنیم: سفال خیربت کراک در سوریه-فلسطین در عصر مفرغ قدیم III یک سفال کاملاً جدید، بدون منشا محلی، است که به‌طور ناگهانی و بدون ویرانی و تخریب ظاهر می‌شود. این سفال در مقادیر زیادی فقط در چند محوطه، به‌طور عمده در آموق و در شمال فلسطین یافت می‌شود و با سفال‌های آناتولی شرقی، به‌حدی وابستگی نزدیک دارد که ممکن است تصور شود که از آن سرچشمه گرفته شده است. این سفال با آندیرون‌هایی (منقل‌ها) همراه است، که بسیاری از آنها دارای یک ویژگی نمادین هستند. این سفال دو یا سه قرن، بدون تغییرات قابل توجه حضور دارد و عملاً بدون تقلید یا تأثیرگذاری روی سفال‌های محلی به حیات خود ادامه می‌دهد و بدون هیچ‌گونه دلیلی ناپدید می‌شود. هنگامی که این مشاهدات به مطالعات قبلی افزوده می‌شود، فرار از این نتیجه که ما با نمونه بارز مهاجرت یک جمعیت خارجی با منشاء آناتولی سروکار داریم، دشوار می‌شود.

این تفسیر کنونی است که برای سفال‌های خیربت کراک در فلسطین ارائه شده است (Yakar, 1989; Burney, 1989). برخی از محققین حتی می‌خواستند وابستگی قومی مهاجران را روشن کنند و پیشنهاد کردند که هیتیت‌ها<sup>۲</sup> (Woolley, 1959 : 31-37) یا هوری‌ها<sup>۳</sup> (Burney and Lang, 1971:) را باید مد نظر داد.

### مشکلات

فرضیه مهاجرت جمعیت‌هایی که منشاء آنها

1. Pulur-Sakyol
2. Hittites
3. Hurrites

دور از ماوراقفقاز بوده است، مشکلات بسیاری را ایجاد می‌کند که باید ذکر شود. حداقل سه مشکل تا حد زیادی با وضعیت کنونی این پژوهش مرتبط است. اول اینکه، به نظر نمی‌رسد که ما در شرق آناتولی سفال‌هایی که واقعاً با سفال‌های خیربت کراک یکسان هستند، شناخته باشیم. در تحلیل نهایی، این سفال یک محصول از جهان سوری-فلسطینی است، بنابراین ترجیح داده می‌شود که اصطلاح «سفال خیربت کراک» برای سفال‌های براق قرمز-سیاه عصر مفرغ قدیم III سوریه-فلسطین بیان شود. همانطور که در بالا تعریف کردیم و «سفال براق قرمز-سیاه» را می‌توان با نمونه‌های اولیه سفال‌های آناتولی و ماوراءقفقاز مرتبط دانست.

در مرحله بعد، مشاهده می‌کنیم که بیشتر شباهت‌های آناتولی و ماوراقفقاز در سفال‌های خیربت کراک به یک یا چند قرن قبل از آن به دوره عصر مفرغ قدیم I-II بازمی‌گردد. بنابراین، به نظر می‌رسد که حاملان سفال‌های خیربت کراک به نوعی شاخه‌ای از فرهنگ قدیمی‌تر آناتولی برای عصر مفرغ قدیم III سوریه-فلسطین هستند.

سرانجام، بازسازی جزئی مسیر مهاجرت جمعیت‌های خیربت کراک از طریق آناتولی از ماوراءقفقاز به سوی آموق و سپس فلسطین دشوار است (Hennessy, 1967: 79, 84; Huot, 1982: 1050-1052; Miroshedji, 1984: 28). اما همچنان ممکن است که در آینده کشفیات باستان‌شناسی در مناطق میانجی امکان پر کردن این مناطق خالی را فراهم کند.

باید به دو مشکل بسیار مهم‌تر دیگر نیز اشاره کرد. اول، فرهنگ خیربت کراک به تنهایی وجود ندارد. این اصطلاح که اغلب مورد استفاده

قرار می‌گیرد، در حقیقت دارای ایراد است زیرا درواقع، نه صنعت سنگ، نه صنعت فلزگری، نه معماری، و حتی هیچ شی را نمی‌توان به‌طور خاص به این فرهنگ اختصاص داد. بنابراین این فرهنگ فقط با سفالگری مربوط به فرهنگ مردمان مهاجر کوچرو نشان داده می‌شود.

دوم اینکه می‌بینیم که این سفال حتی یک فهرست کامل از فرم‌های سفالی را نشان نمی‌دهد. به‌طور خاص، نه ظروف ذخیره و نه ظروف سفالی خیربت کراک شناخته شده نیستند. این سفال‌ها تنها توسط ظروف غذاخوری نشان داده شده‌اند. به‌عنوان مثال، در بت‌شان، مازار و همکاران مشاهده کردند که تقریباً تمام ظروف غذاخوری عصر مفرغ قدیم III از سفال‌های خیربت کراک هستند. آیا می‌توانیم مردمان مهاجری را تصور کنیم که فقط ظروف غذاخوری را با خود حمل می‌کردند؟

### برآیند

مطالعه سفال‌های خیربت کراک در سوریه-فلسطین در نهایت به نتایج محدودی منجر می‌شود: ما با جمعیتی که در شرق آناتولی مستقر هستند، سروکار داریم که در حدود ۲۶۵۰ پم از طریق مسیری که قابل بازسازی نیست، به لوانت می‌رسند. آنها در گروه‌های کوچکی (در کل چند صد نفر) و فقط در چند استقرار مستقر شدند که در آنجا دو یا سه قرن در یک موقعیت خودکفای فرهنگی زندگی کردند و بخشی از تولید سفال خود را به مناطق پیرامون توزیع کردند و از حدود ۲۴۵۰ پم، بدون اینکه اثری از آن باقی بماند، به سوی مکان‌های جدید رفتند.

این مهاجران چه می‌کردند؟ جی.ب. هنسی

در سال ۱۹۶۷ (1967: 79) پیشنهاد کرد که مسیر صنعتگران را در آنجا می‌توان دید. میروشچی<sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۶ پیشنهاد کرد که آنها می‌توانند فلزگر باشند (Miroschedji, 1976: 251-252); (28: 1984). این فرضیه مبتنی بر این مشاهدات بود که توزیع سفال‌های براق قرمز و سیاه از آناتولی تقریباً مطابق با کانسارهای مس است و از این رو می‌توان تصور کرد که فلزگران ماوراقفقاز بدین جهت، از شرق به غرب، از یک محوطه به محوطه دیگر، گسترش یافته‌اند. اما این فرضیه جای تردید دارد زیرا ما شرایط تولیدات فلزی در فلسطین در هزاره سوم پم را بهتر می‌شناسیم (Hauptmann, 1991): این معادن در وادی فینان<sup>۲</sup>، در جنوب بحرالمیت<sup>۳</sup> قرار داشتند و به همین دلیل باید در مجاورت آنها، به‌ویژه در باب الذراع<sup>۴</sup> و نمیره<sup>۵</sup>، مکان‌های اصلی عصر مفرغ قدیم III این منطقه، حجم بالایی از سفال‌های خیربت کراک را شناسایی کرد، لیکن این طور نیست و برعکس در شمال فلسطین، در فاصله دورتری از معادن مس، این سفال‌ها شناسایی شده‌اند. بنابراین این فرضیه به سختی قابل پذیرش است.

با توجه به تحقیقات اخیر، ما می‌توانیم فرضیه قابل قبول دیگری را تدوین کنیم که: این مهاجران سفالگر بودند. ممکن است بیان شود که بسیاری از سفال‌های خیربت کراک در محوطه‌های خاص (به‌عنوان مثال در بت‌یراه یا بت‌شان) وجود دارد و این فراوانی دلالت بر استفاده از این سفال توسط بخش قابل توجهی از ساکنان دارد تا تولید آن توسط تعداد معدودی

از سفالگرهای حرفه‌ای که در محوطه حضور داشته‌اند. اما دیدیم که این مواد عمدتاً ظروف آشپزخانه هستند، و توزیع آن در اطراف، در مکان‌هایی که این سفال به اندازه کافی نادر است برای یک فرد این تصور را به وجود می‌آورد که مهاجران در آنجا اقامت نکرده‌اند. مشاهداتی که قبلاً در مورد تناوب کاهشی مجموعه اشکال صورت گرفته است نشان می‌دهد که با دور شدن از منطقه هسته‌ای این تناوب بیشتر و بیشتر کاهش می‌یابد، از این لحاظ در این فرضیه، سفال‌های خیربت کراک سفال‌های شان‌زا بوده‌اند، زیرا از نظر ظاهری متفاوت با سفال‌های محلی هم دوره خود بودند و به دلیل اینکه از طریق فرم‌ها، ظاهر زیبا و تزیینات آن، ویژگی‌های یک سفال بیگانه و خارجی را داشتند که می‌توانستند به‌عنوان نمادی از وضعیت اجتماعی برجسته تلقی شوند، لذا می‌توان بیان نمود که سفال‌های فلسطینی (بومی) می‌توانستند از سفال‌های خیربت کراک تقلید شده باشند. این امر می‌تواند جلوه کمی از فرایند فرهنگ‌پذیری از جمعیت‌های مهاجر در پاسخ به تقاضای مشتریان برای داشتن این سفال‌های شان‌زا بوده باشد.

بنابراین فرضیه سفالگرهای حرفه‌ای قابل قبول است. این امر شامل استقرار در منطقه هسته‌ای و توزیع مکرر تولیدات سفالی در مناطق حاشیه‌ای است، محوطه‌هایی که در جنوب فلسطین قرار دارند فقط از واردات گاه و بیگاه بهره‌مند می‌شدند. با این حال، این مدل هنوز اثبات نشده است.

1. Miroschedji
2. Wadi Feynan
3. The Dead Sea
4. Bâb Edh-Dhra
5. Numeira

منابع تصویر  
شکل ۲

1. Affula (Sukenik, 1948 pl. 10: 10).
2. Affula (Sukenik, 1948 pl. 10: 15).
3. Affula (Sukenik, 1948 pl. 10: 18).
4. Jericho (Kenyon, 1960 fig. 38: 35).
5. Jericho (Kenyon, 1960 fig. 38: 31).
6. Beth Shean (Fitzgerald, 1935 pl. VIII: 4).
7. Beth Shean (Fitzgerald, 1935 pl. VII: 1).
8. Affula (Sukenik, 1948 pl. 10: 4).
9. Megiddo (Loud, 1948 pl. 5: 14).
10. Jericho (Kenyon, 1960 fig. 38: 28).
11. Beth Shean (Fitzgerald, 1935 pl. VII: 2).
12. Jericho (Kenyon, 1960 fig. 44).
13. Jericho (Hennessy, 1967 pl. 65: 2).
14. Jericho (Kenyon, 1960 fig. 38: 3).
15. Beth Shean (Fitzgerald, 1935 pl. VII: 6).
16. Affula (Sukenik, 1948: pl. 11: 12).
17. Beth Shean (Fitzgerald, 1935 pl. VII: 8).
18. Beth Shean (Fitzgerald, 1935: pl.X: 4).
19. Beth Shean (Fitzgerald, 1935: pl. VII: 5).
20. Beth Shean (Fitzgerald, 1935: pl. VIII: 6).
21. Beth Yerah (Hennessy, 1967: pl. 70: 2 = Hestrin 1993).
22. Beth Yerah (Hestrin, 1993).

شکل ۳

1. Beth Shean (Fitzgerald, 1935: pl. VII: 17).
2. Beth Shean (Fitzgerald, 1935: pl. VII: 12).
3. Beth Shean (Fitzgerald, 1935: pl. VII: 9).

شکل ۴

1. Tell el-Judeideh (Braidwood and Braidwood, 1960 fig. 282: 12).
2. Beth Shean (Fitzgerald, 1935 pi. VIII: 6 = ci-dessus fig. 2: 20 (détail)).
3. Tabara el-Akrad (Hood, 1951 fig. 7: 21c).
4. Beth Shean (Fitzgerald, 1935 pi. VIII: 6 = ci-dessus fig. 2: 20 (détail)).
- 5-6. Tell el-Judeideh (Braidwood and Braidwood, 1960 fig. 358: 8).
7. Beth Shean (Fitzgerald 1935 pi. VIII: 6 = ci-dessus fig. 2: 20 (détail)).
8. Tell el-Judeideh (Braidwood and Braidwood, 1960: fig. 285: 7).
9. Ras Shamra (Contenson, 1970 fig. 1).
10. Tabara el-Akrad (Hood, 1951 fig. 7: 21b).
11. Tell el-Judeideh (Braidwood and Braidwood, 1960 fig. 359: 4).
12. Beth Shean (Fitzgerald, 1935 pi. VII: 4).
13. Beth Shean, sur la base concave d'un bol (Fitzgerald, 1935 pi. VIII: 10).
14. Tabara el-Akrad (Hood, 1951 fig. 8: 19a).
15. Tell el-Judeideh (Braidwood and Braidwood, 1960 fig. 282: 9).
16. Beth Shean (Fitzgerald, 1935 pi. VII: 3).
17. Tell el-Judeideh (Braidwood and Braidwood, 1960 fig. 285: 42).
18. Beth Yerah (Hennessy, 1967 pi. 69: 8).
19. Tell el-Judeideh (Braidwood and Braidwood,
20. Tell el-Judeideh (Braidwood and Braidwood,
21. Tabara el-Akrad (Hood, 1951: fig. 7: 13d).

شکل ۵

1. Diamant and Rutter, 1969 fig. 10: f.
2. Chubinishvili, 1966 fig. 31: 17.
3. Chubinishvili, 1966 fig. 31: 7-8.
4. Chubinishvili, 1966 fig. 31: 6.
5. Chubinishvili, 1966 fig. 31: 18.
6. Braidwood and Braidwood, 1960 fig. 290: 1
7. Hood, 1951 fig. 9.
8. Hood 1951 pi. 11: B.
9. Hennessy, 1967: pl. 72:2.
10. Hennessy, 1967: pl. 72:1.
11. Hennessy. 1967: pl. 72:2.
12. Braidwood and Braidwood, 1960 fig. 290: 5.
13. Marquet-Krause, 1949 pi. 75 1521.
14. Dessin d'après une photographique Cf.

منابع جدول

1. Tadmor and Prausnitz, 1959.
2. Givon, 1993.
3. Biran, 1994. Biran et al., 1996.
4. Esse 1991.
5. Yadin et al., 1960, 1961; Esse and Hopke, 1986.
6. Esse, 1991.
7. Kochavi, 1996.



8. Esse, 1991  
 9. Esse and Hopke, 1986. Esse, 1991.  
 10. Arnon, 1982.  
 11. Esse, 1991.  
 12. Sukenik, 1948.  
 13. Esse, 1990.  
 14. Leonard, 1992.  
 15. Esse, 1991.  
 16. Lapp, 1967.  
 17. Esse, 1991.  
 18. Mazar et al., sous presse.  
 19. Fitzgerald, 1935: Chazan and McGovern, 1984; Mazar et al., sous presse.  
 20. Esse, 1991.  
 21. Esse, 1991.  
 22. Parr, 1956.
23. Mittmann, 1994; Genz, sous presse.  
 24. Yeivin, 1977.  
 25. Albright and Kelso, 1968.  
 26. Amiran, 1967.  
 27. Kenyon, 1960; Kenyon and Holland, 1983.  
 28. Hennesy, 1967.  
 29. Yekutieli and Gophna, 1994.  
 30. Miroschedji et al. 1988.  
 31. Brandi, 1989.  
 32. Tufnell, 1957.  
 33. Fargo, 1979  
 34. Amiran and Eitan, 1967.  
 35. Seger, 1989.  
 36. Schaub and Rast, 1989.

### کتابنامه

- Albright, W. F., 1926: "The Jordan Valley in the Bronze Age", *AASOR* 6: 13-74.  
 Albright, W. F. and Kelso, J. L., 1968: "The Excavation of Bethel (1934-1960)", *AASOR* 39.  
 Amiran, R., 1952: "Connections between Anatolia and Palestine in the Early Bronze Age", *IEJ* 2: 89-103.  
 Amiran, R., 1965: "Yanik Tépe, Shengavit and the Khirbet Kerak Ware", *AS* 15: 165-167.  
 Amiran, R., 1967: "Khirbet Kerak Ware at Ai", *IEJ* 17: 185-186.  
 Amiran, R., 1968 "Chronological Problems of the Early Bronze Age. Early Bronze Age I-II: The City of Arad Early Bronze Age III: The Khirbet Kerak Ware", *AJA* 72: 316-318.  
 Amiran, R., 1986: "The Fall of the Early Bronze Age II City of Arad", *IEJ* 36: 74-76.  
 Amiran, R. and Eitan, A., 1967: "A Canaanite-Hyksos City at Tel Nagila", *Archaeological Discoveries in the Holy Land*, Compiled by the Archaeological Institute of America, New York, NY Crowell Company: 41-48.  
 Arnon, C, 1982: "Tel Kishiyon 1981", *HA* 78-79: 18 (en hébreu).  
 Arsebuk, G., 1979 "The Possible Origin of Karaz (Khirbet Kerak) Type of Pottery", VIII. *Türk Tarih Kongresi* 1: 81-92.  
 Biran, A., 1994: *Biblical Dan*, Jerusalem, Israel Exploration Society, Hebrew Union College- Jewish Institute of Religion.  
 Biran, A., 11 an, D. and R. Greenberg, 1996: Dan I. A Chronicle of the Excavations, the Pottery Neolithic, the Early Bronze Age and the Middle Bronze Age Tombs, Jerusalem, Nelson Glueck School of Biblical Archaeology, Hebrew Union College-Jewish Institute of Religion.  
 Braidwood, R.J. and Braidwood, L.S., 1960: *Excavations in the Plain of Antioch I: the Earlier Assemblages, Phases A-J*, Oriental Institute Publication 61, Chicago, Chicago University Press.  
 Brandi, B., 1 989 "Observations on the Early Bronze Age Strata of Tel Erani", in Miroschedji, P. de (éd.), *L'urbanisation de la Palestine à l'âge du Bronze Ancien: Bilan et perspectives des recherches actuelles. Actes du Colloque d'Emmaus* (20-24 octobre 1986), B.A.R. International Series 527 (ii), Oxford, B.A.R. : 357-387.  
 Burney, C, 1989: "The Khirbet Kerak Question and the Early Transcaucasian Background", in Miroschedji, P. de (éd.), *L'urbanisation de la Palestine à l'âge du Bronze Ancien: Bilan et perspectives des recherches actuelles. Actes du Colloque d'Emmaus* (20-24 octobre 1986), B.A.R. International Series 527 (ii). Oxford: B.A.R.: 331-339.  
 Burney, C. and Lang, D. M., 1971: *Peoples of the Hill: Ancient Ararat and Caucasus*, London, Weidenfeld and Nicholson.

- Callaway, J.A., 1978 : "News Perspectives on Early Bronze Age III in Canaan", in Moorey, P.R.S. et Parr, P.J. (éds.), *Archaeology in the Levant, Essays for Kathleen Kenyon*, Warminster, Aris & Phillip : 1-10.
- Chazan, M. and McGovern, P. E., 1984 "Khirbet Kerak Pottery at Beth Shan: Technological Evidence for Local Manufacture", *MASCA* 3/1: 20-24.
- Chubinishvili, T. N., 1966 : "The Interconnections Between the Caucasian ("Kura Araxes") and the Near East Cultures in the Third Millennium B.C.", *Contribution to the Archaeology of the Soviet Union, the Russian Translation Series of the Peabody Museum of Archaeology and Ethnology* vol. III, n°1, Cambridge, Mass., Harvard University 167-173.
- Contenson, H. de, 1989 "Rapports entre la Palestine et Ras Shamra-Ugarit au Bronze", in Miroschedji, P. de (éd.), *L'urbanisation de la Palestine à l'âge du Bronze Ancien: Bilan et perspectives des recherches actuelles. Actes du Colloque d'Emmaïis* (20-24 octobre 1986, B.A.R. International Series 527 (ii), Oxford, B.A.R.): 317-329.
- Courtois, L., 1971: Description physico-chimique de la céramique ancienne, Thèse présentée à l'UJ.E.R. des Sciences exactes et naturelles de l'Université de Clermont Ferrand. Clermont-Ferrand.
- Diamant, S. and Rutter, J., 1969: "Horned Objects in Anatolia and the Near East and Possible Connections with the Minoan 'Horns of Consecration'", *AS* 19: 147-177.
- Ehrich, A. M. H, 1939: *Early Pottery of the Jebel Region*, Memoirs of the American Philosophical Society 13, Philadelphia, American Philosophical Society.
- Esse, D. L., 1990 "Notes & News Tel Yaqush", *IEJ* 40/2-3: 222-223.
- Esse, D. L., 1991 Subsistence, Trade, and Social Change in Early Bronze Age Palestine, *Studies in Ancient Oriental Civilizations* N° 50, Chicago, The Oriental Institute of the University of Chicago.
- Esse, D. L. and Hopke, P. K., 1986 : "Levantine Trade in the Early Bronze Age", in Olin, J. S. & Blackman, M. J., *Proceedings of the 24th International Archaeometry Symposium, Washington, D.C., Smithsonian Institution Press* : 327-339.
- Fargo, V. M., 1979 "Early Bronze Age Pottery at Tell el-Hesi", *BASOR* 236 n: 23-40.
- Fitzgerald, G. M., 1935: "The Earliest Pottery of Beth-Shan", *Museum Journal* 24: 5-22.
- Fugman, E., 1958: Hama, Fouilles et recherches 1931-1938: L'architecture des périodes pré-hellénistiques, Nationalmuseets Skifter St0ne Beretninger volume IV, Copengahen, Nationalmuseet.
- Garfinkel, Y., 1992: The Pottery Assemblages of the Sha'ar Hagolan and Rabah Stages of Munhata (Israel), *Les Cahiers du Centre de recherche français de Jérusalem* n° 6, Paris, Association Paléorient. Genz, H., sous presse: Hirbet ez-Zeraqôn IV. Die frühbronzezeitliche Keramik von Hirbet ez-Zeraqôn, Nordjordanien, und ihre Bedeutung für die Frühbronzezeitchronologie der Levante, *Abhandlungen des Deutschen Palästina-Vereins, Wiesbaden, O. Harrassowitz*.
- Givon, S., 1993 The Excavations at Beth Ha'Emeq, 1973, Tel Aviv, Sonia & Marco Nadler Institute of Archaeology, The Regional Council "Mateh Asher" (en hébreu avec résumé en anglais).
- Hauptmann, A., 1991: "From the Use of Ore to the Production of Metal, the Discovery of Copper Metallurgy at Feinan, Wadi Arabah/Jordan", in Mohen, J.-P. & Eluère, Chr., *Découverte du métal*, Paris, A. & J. Picard 397-412.
- Hennessy, J. B., 1967 The Foreign Relations of Palestine During the Early Bronze Age, London, B. Quaritch.
- Hestrin, R., 1993 "Beth Yerah", in Stern, E. (éd.), *The New Encyclopedia of Archaeological Excavations the Holy Land*, volume I, Jerusalem, Israel Exploration Society : 255-259.
- Hood, S., 1951: "Excavations at Tabara el-Akrad", *AS* 1: 113-147.
- Huot, J.-L., 1982 Les céramiques mono-

- chromes lissées en Anatolie à l'époque du Bronze Ancien, Bibliothèque archéologique et historique, tome 111, 2 volumes, Paris, P. Geuthner.
- Ingholt, H., 1940: Rapport préliminaire sur sept campagnes de fouilles à Hama en Syrie, *Archaeologisk-Kunsthistoriske Meddelelser* 3(1), Copenhagen, Munksgaard.
- Kallner, R. B. (= Amiran), 1943: "Khirbet Kerak Ware and its Relation to the E.B. Tomb Discovered at Kineret", *BJPES* 10 63-65 (en hébreu).
- Kallner, R. B. (= Amiran) and Vroman, J., 1945-46: "Petrographical Examination of Pottery", *BJPES* 12: 10-15 (en hébreu).
- Kelly-Buccellati, M., 1979: "The Outer Fertile Crescent Culture North Eastern Connections of Syria and Palestine in the Third Millennium B.C.", *Ugarit Forschungen* 11: 415-430.
- Kenyon, K. M., 1960 *Excavations at Jericho: The Tombs Excavated in 1952-1954*, London, British School of Archaeology in Jerusalem.
- Kenyon, K. M. and Holland, T. A., 1983: *Excavations at Jericho. Volume V. The Pottery of the Tell and Other Finds*, London, British School of Archaeology in Jerusalem.
- Kochavi, M., 1996 "The Land of Geshur History of Region in the Biblical Period", *El* 25: 184-201 (en hébreu).
- Koşay, H.Z., 1976 *Keban Project, Pulur Excavations 1968-1970*, Middle East Technical University, Keban Project Publications, Series 3,1, Ankara.
- Lamb, W., 1954 "The Culture of North-East Anatolia and Its Neighbours", *AS* 4 21-32.
- Lapp, P. W., 1967 "Taanach by the Waters of Megiddo", *BA* 30 2-27.
- Leonard, A. Jr., 1992: "The 1953 Jordan Valley Survey: Some Unpublished Soundings Conducted by James Mellaart", *AASOR* 50, Winona Lake, Indiana: Eisenbrauns.
- Loud, G., 1948: *Megiddo II: Seasons of 1935-1939*, Oriental Institute Publication 62 (2 volumes), Chicago, The University of Chicago Press.
- Marquet-Krause, J., 1949 *Les fouilles de Ai (el-Tell), 1933-1935*, Institut français d'archéologie orientale, Bibliothèque archéologique et historique, tome 45, Paris, P. Geuthner.
- Matthiae, P. 1997 "Tell Mardikh, 1977-1996: vingt ans de fouilles et de découvertes. La renaissance d'Eb-la amorrhéenne", *Akkadica* 101 (janv.-févr. 1997): 1-29.
- Mazar, A., 1997 "Four Thousand Years of History at Tel Beth-Shean. An Account of the Renewed Excavations", *BA* 60/2 62-76.
- Mazar, A., Ziv-Esudri, A. and Cohen-Weinberger, A., sous presse : "The Early Bronze Age II-III at Tel Beth Shean : Preliminary Observations", à paraître dans Philipp, G. & Baird, D. (éds.), *Breaking with the Past : Ceramics and Change in the Early Bronze Age of the Southern Levant*, Sheffield, Sheffield Academic Press.
- Mellaart, J., 1966: *Chalcolithic and Early Bronze Age in the Levant and Anatolia*, Beirut, Khayats.
- Miroschedji, P. de, 1976 *Contribution à l'étude de l'urbanisation à l'âge du Bronze Ancien*, Thèse de doctorat inédite, 2 volumes, Paris, Université de Paris I.
- Miroschedji, P. de, 1984 "Céramiques et mouvements de population: le cas de la Palestine au II<sup>e</sup> millénaire", in Barrelet, M. -Th. et Gardin, J.-C. (éds.), *A propos des interprétations archéologiques de la poterie: questions ouvertes*, Paris, Editions Recherche sur les Civilisations: 9-46.
- Miroschedji, P. de, sous presse "An EB III Pottery Sequence for Southern Israel", à paraître dans Philipp, G. & Baird, D. (éds.), *Breaking with the Past : Ceramics and Change in the Early Bronze Age of the Southern Levant*, Sheffield, Sheffield Academic Press.
- Miroschedji, P. de et al., 1988 *Yarmouth 1, rapport sur les trois premières campagnes de fouilles à TelYarmouth (Israël), 1980-1982*, Paris, Éditions Recherche sur les Civilisations.

- Mittmann, S., 1994: "Hirbet ez-Zeraqôn. Eine Stadt der frühen Bronzezeit in Noror danien", *Archäologie in Deutschland* 2 (April-Juni 1994): 10-15.
- Pair, P. J., 1956 "A Cave at Arqub el-Dhahr", *ADAJ* 3: 61-73.
- Piotrovsky, B., 1962: "The iEneolithic Culture in Transcaucasia in the Third Millennium", VI. International Congress of Prehistoric and Protohistoric Sciences, Moscow.
- Sagona, A. G., 1984: The Caucasian Region in the Early Bronze Age, B.A.R. International Series 214 (three parts), Oxford: B.A.R.
- Schaeffer, C. F. A. et al., 1962: Ugaritica IV. Mission de Ras Shamra, tome XV, Institut français d'archéologie orientale, Bibliothèque archéologique et historique, tome LXXIV, Paris, P. Geuthner.
- Schaub, R. T. and Rast, W. E., 1989: Bâb ed-Dhrâ\ Excavations in the Cemetery Directed by Paul W. Lapp (1965-67), Reports of the Expedition of the Dead Sea Plain, Volume I, Winona Lake, Indiana, Eisenbrauns.
- Seger, J. D., 1989 "Some Provisional Correlations in EB III Stratigraphy in Southern Palestine", in
- Miroschedji, P. de (éd.), L'urbanisation de la Palestine à l'âge du Bronze Ancien: Bilan et perspectives des recherches actuelles. Actes du Colloque d'Emmaus (20-24 octobre 1986), B.A.R. International Series 527 (ii). Oxford, B.A.R.: 117-135.
- Stager, L. E., 1995 "The Periodization of Palestine from Neolithic Through Early Bronze Times", in Ehrich, R.W., (éd.), *Chronologies in Old World Archaeology*, Third Edition, Chicago, University of Chicago Press) 22-41.
- Sukenik, Y. (= Yadin), 1947: "On the Technique of the Khirbet Kerak Ware", *BASOR* 106: 9-17.
- Sukenik, E. L., 1948: "Archaeological Investigations at 'Affula", *7P0S* 21: 1-79.
- Tadmor, M., 1964 "Contacts between the 'Amuq and Syria-Palestine (Review Article)", *IEJ* 14/4: 253- 269.
- Tadmor, M. and Prausnitz, M., 1959: "Excavations at Rosh Hanniqra", *'Atiqot* (ES) 2: 72-78.
- Todd, I. A., 1973: "Anatolia and the Khirbet Kerak Problem", in Hoffner, H.A. (éd.), *Orient und Occident. Essays Presented to Cyrus H. Gordon*, Alter Orient und Altes Testament 22, Neukirchen Vluyn, Neukirchner Verlag: 181-206.
- Tufnell, O., 1957: *Lachish-IV: the Bronze Age*, 2 volumes, Oxford, Oxford University Press.
- Woolley, L., 1959: *A Forgotten Kingdom*, 2nd éd., London, Max Parrish.
- Wright, G. E., 1937 : *The Pottery of Palestine from the Earliest Times to the End of the Early Bronze Age*, New Haven, Conn., American Schools of Oriental Research.
- Yadin, Y. et al., 1960 *Hazor II. An Account of the Second Season of Excavations 1956*, Jerusalem, The Magnes Press.
- Yadin, Y. et al., 1961: *Hazor III-IV. An Account of the Third and Fourth Season of Excavations 1957-1958*, Jerusalem, Anglo-Israel Exploration Society.
- Yakar, J., 1990: "The Chronology of the Transcaucasian-East Anatolian Early Bronze Age", *El* 21: 94-100.
- Yeivin, Z., 1977 "El-Mahruq, Khirbet", in Avi-Yonah, M. (éd.), *Encyclopedia of Archaeological Excavations in the Holy Land, volume III*, London, Oxford University Press: 766-768.
- Yekutieli, Y. and Gophna, R., 1994: "Excavations at an Early Bronze Age Site near Nizzanim", *Tel Aviv* 21/2: 162-185.
- Zarzecki-Peleg, A., 1993: "Decorated Animal Bones of the Third Millennium BCE from Palestine and Syria: Stylistic Analysis", *IEJ* 43/1 1-22.

# “Contents”

## Article

Various Patterns on Urartian Belts of Reza Abbasi Museum   Maryam Dara	4
Wolf Castle Ossuary, A Newly Discovered Burial of the Sassanid period in the city of Eghlid   Hamed Molaei	25
The Pre-Buyid Amirate: Two Views from the past   David Waines, Persian translated by Hosein Sabri	36
Archaeological Survey of Khanak Caravanserai on the Mountainous Route from Tafresh to Saveh   Ali Nour Allahi	47
La céramique de Khirbet Kerak en Syro-Palestine: état de la question   P. D Miroschedji, Persian translated by Sahar Bakhtiari & Hosein Naseri	74

## Critique and Book Review

Proto-Elamite Tablets and Fragments   Hasan Afshahri & Saeid Baghizadeh	99
---	----

## Obituary

David Stronach, Masoud Golzari, Badri Gharib   Arshak Iravanian	109
---	-----



# ایران ورجاوند

○ ○ ○ ○ ○  
| Iran-e Varjavand (Glorious Persia) |  
| Persian Journal Of Iranain Studies |  
| Vol. 3, No.5, Autumn & Winter 2020 |

Concessionaire, Manager in Charge  
and Editor-in-chief:

| Dr Shahin Aryamanesh |

Managing Editor: **Houshang Rostami**

📍 Tehran, Iran, Post box: 14515-569

🌐 [www.iranvarjavand.ir](http://www.iranvarjavand.ir)

✉ [Iranvarjavand@hotmail.com](mailto:Iranvarjavand@hotmail.com)

☎ +98 9395969466

Bricks with a palmette motif, ca. 6th–4th  
century B.C. Achaemenid, Iran, Susa  
The Metropolitan Museum of Art, USA

All rights reserved. No part of this publica-  
tion may be reproduced, stored in a retrieval  
system or transmitted in any form or by any  
means, electronic, mechanical, photocopying,  
recording or otherwise, without prior permis-  
sion in writing, form the publisher.

With Contributions by

| Tissaphernes Archaeological Research Group |





Persian Journal of Iranian Studies | Vol. 3 | No. 5 | Autumn & Winter 2020



- ◆ Proto-Elamite Tablets and Fragments
- ◆ The Pre-Buyid Amirate: Two Views from the past
- ◆ Various Patterns on Urtartian Belts of Reza Abbasi Museum
- ◆ La céramique de Khirbet Kerak en Syro-Palestine: état de la question
- ◆ Wolf Castle Ossuary, A Newly Discovered Burial of the Sassanid period in the city of Eghlid
- ◆ Archaeological Survey of Khanak Caravanserai on the Mountainous Route from Tafresh to Saveh